

# نامه هشدارآمیز ایران به مدیر کل یونسکو

حمله به راه آهن تاریخی ایران، تعرض به میراث مشترک بشریت است

## گزارش

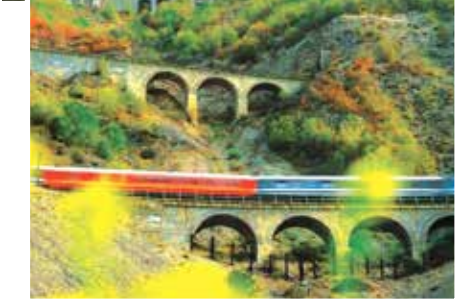
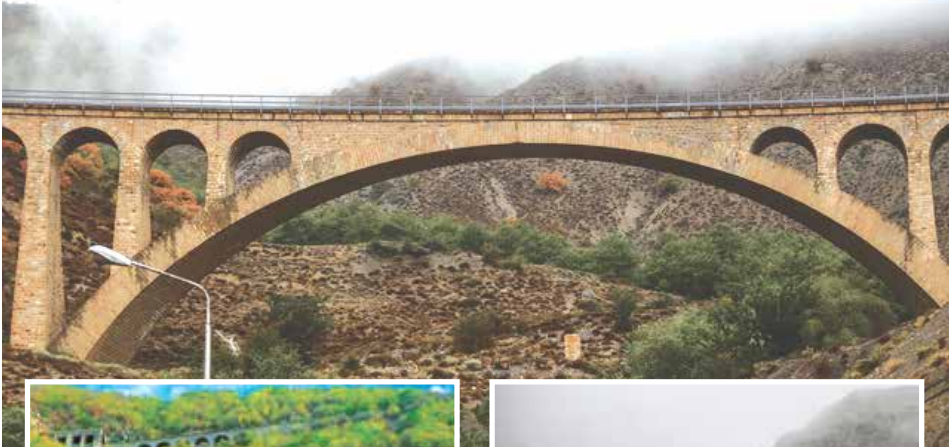
گروه زیست بوم

نه قانون را می فهمند نه تاریخ را. هشدارهای سازمان جهانی یونسکو را هم به هیچ گرفته اند. توجهی هم به ابراز نگرانی «شبخه النویس» دبیرکل سازمان گردشگری ملل متحد درباره تخریب آثار تاریخی ایران هم نکردند. از کمیته جهانی سیرابی هم کاری برنمی آید. تاکنون بیش از ۱۳۴ اثر ایرانی را هدف حمله خود قرار داده اند. حالا هم رئیس جمهور مجرم کشور متجاوز آمریکا از قصد خود برای زدن راه آهن سراسری کشور خبر می دهد. راه آهن شمال به جنوب ایران در سال ۱۴۰۰ با اجماع کشورهای عضو در چین به ثبت جهانی رسید.

### طولانی ترین مسیر ثبت شده

تاکنون راه آهن ۴ کشور ایران، اتریش، سوئیس و هندوستان به عنوان میراث جهانی توسط یونسکو ثبت شده که طولانی ترین آن ها متعلق به ایران است. تخریب میراث فرهنگی مطابق کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه (حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمه مسلحانه) جنایت جنگی محسوب می شود. اما دونالد ترامپ نشان داده است که به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیست و از انجام هیچ جنایتی دریغ نمی کند.

این تهدید به نامه نگاری هشداردهنده ای از سوی سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران به مدیرکل سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) منجر شد. صالحی امیری در این نامه بر ضرورت حفاظت فوری از این اثر معماری و مهندسی معاصر تأکید کرده است.



### در شرایطی که

### تهدید علیه

### زیرساخت های

### حیاتی و

### آثار تاریخی

### می تواند جان

### غیرنظامیان را

### نیز در معرض

### خطر قرار

### دهد، حمله

### به راه آهن

### سراسری

### ایران افزون بر

### آسیب به یک

### اثر ثبت شده

### جهانی، واجد

### پایمدهای

### انسانی

### گسترده

### و مغایر با

### وجدان

### عمومی

### بشریت

### خواهد بود

مهندسی معاصر کشور به شمار می رود که با مشارکت مهندسان، هنرمندان، کارگران و متخصصان ایرانی و اروپایی در طول سالیانتمادی احداث و سپس با اتکا به دانش بومی توسعه یافته است.

وزیر میراث فرهنگی در ادامه با اشاره به جایگاه بین المللی این اثر تصریح کرده

که ارزش های کم نظیر این همکاری تخصصی و فرهنگی و تأثیر آن بر تاریخ معاصر غرب آسیا، در نهایت منجر به

به مدیرکل یونسکو، ضمن اعلام نگرانی عمیق جمهوری اسلامی ایران نسبت به تهدیدات مطرح شده علیه راه آهن سراسری ایران، این اقدام را تعرضی آشکار به میراث مشترک بشریت دانست و خواستار موضع گیری صریح، فوری و بازدارنده این نهاد بین المللی شد.

صالحی امیری در این نامه یادآور شد که راه آهن سراسری ایران از جمله برجسته ترین نمونه های معماری و

ثبت راه آهن سراسری ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو در سال ۱۴۰۰ هجری شمسی و در چهل و چهارمین اجلاس این سازمان در کشور چین، با اجماع کامل کشورهای عضو شد.

صالحی امیری در بخش دیگری از این نامه با بیان اینکه «ماایلم نگرانی عمیق جمهوری اسلامی ایران را نسبت به تهدیدات مطرح شده علیه راه آهن سراسری ایران اعلام کنم»، تأکید کرده است: این میراث تاریخی و تمدنی، نه تنها یکی از مهم ترین نمادهای پیوند جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی ایران معاصر است، بلکه به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت نیز شناخته می شود.

### گذر یک خط از ۸ استان

وی در تشریح اهمیت این مسیر تاریخی افزوده است: «این خط ریلی از استان های متعددی از جمله گلستان، مازندران، سمنان، تهران، قم، لرستان و خوزستان عبور کرده و با گذر از چشم اندازهای متنوع طبیعی و فرهنگی و عبور از جنگل های هیرکانی بدون تخریب، نمونه ای ممتاز از مهندسی اتصال سرزمینی و حافظه تمدنی یک ملت به شمار می آید.»

وزیر میراث فرهنگی با اتخاذ ادبیاتی صریح و هشدارآمیز تصریح کرده است: «هرگونه تعرض، تخریب یا حمله به این اثر ارزشمند، تعرض به میراث فرهنگی ملت ایران و لطمه به سرمایه های است که به همه بشریت تعلق دارد؛ اقدامی که از منظر اخلاقی، انسانی و حقوق بین الملل فرهنگی، به شدت محکوم و مغایر با مسئولیت مشترک دولت ها و نهادهای بین المللی در صیانت از میراث بشری است.»

### جان انسان ها در خطر است

در ادامه این نامه آمده است: «در شرایطی که تهدید علیه زیرساخت های

پل و سایر تأسیسات وابسته به راه آهن است که در نوع خود اثری بی نظیر به شمار می رود.

### عبور از ۸ اقلیم

راه آهن سراسری ایران به عنوان طولانی ترین خط ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، با ۱۳۹۴ کیلومتر، در کنار راه آهن های سمربینگ اتریش، هند، سوئیس و ایتالیا جای گرفته است. این مسیر با عبور از ۸ خرد اقلیم و ۴ اقلیم اصلی، شاهکار بی دلیلی از مهندسی، معماری، هنر و تعامل فرهنگی خاصی را رقم زده است. ساخت بیش از ۲۵۱ پل بزرگ، ۴۰۰۰ پل کوچک، ۲۴۵ تونل و ۹۰ ایستگاه در این مسیر، از جمله پل ورسک، سه خط طلائی و بزرگ ترین پل فلزی بر رود کارون در اهواز، جلوه ای از قدرت مهندسی ایرانی در قرن بیستم است. طول مجموع تونل های این مسیر به ۸۳ کیلومتر می رسد که از جمله آن ها می توان به تونل های گدوک و چهارآبدیز اشاره کرد؛ آثاری که در زمان خود از شاهکارهای فنی و معماری جهان محسوب می شدند.

راه آهن ایران نخستین کریدور شمال به جنوب در منطقه بود که دریای خزر را به خلیج فارس متصل ساخت و نخستین راه آهن ثبت شده غرب آسیا است. این شاهکار مهندسی، جلوه ای از مدیریت ایرانی در مواجهه با تاریخ جهانی به شمار می رود.

این خط آهن نه تنها یک مسیر حمل و نقل، بلکه نمونه ای کم نظیر از سیستم مهندسی است که با عبور از کوه ها، دشت ها و رودخانه ها، تحولات شگرفی در محیط های طبیعی و انسانی ایجاد کرده است. این مسیر نشان می دهد که چگونه مهندسی کشورمان توانسته همزمان با غلبه بر محدودیت های جغرافیایی، فرصت های تازه ای برای توسعه جوامع محلی و پیوندهای فرهنگی بیافریند.

## اندیشه

چرا ترامپ وانمود به مذاکره با ایران می کند؟

# رمزگشایی از یک فریب استراتژیک



## علوم شناختی

### دکتر علیرضا قائمی نیا

استاد علوم شناختی و سردبیر فصلنامه ذهن

در روزهای گذشته شاهد بودیم که موارد مختلفی «وانمود به مذاکره» کرده است. شواهد بسیار گسترده نشان دهنده این است که هدف ترامپ از مانور روی موضوع «مذاکره» در حالی که عملاً هیچ مذاکره ای رخ نداده- کنترل بازارهای مالی، تقویت نیرو و پدافند در منطقه و کسب اطلاعات از ارتباطات و محل استقرار مقام های ارشد کشور است و ترامپ و رژیم اسرائیل

تعمالی برای هیچ نوع مذاکره یا توافق با ایران در مقطع فعلی ندارند. ترامپ و رژیم اسرائیل تصمیم دارند پروژه ویرانی و تجزیه ایران، و حذف چهره های کلیدی نظام را تا انتها طی کنند و در مقطع فعلی یک «توافق منطبق با خطوط قرمز ایران» اولویت آنان نیست. به این اعتبار، دکتر علیرضا قائمی نیا، استاد علوم شناختی و مدیر قطب فلسفه دین، در این یادداشت به تحلیل این نکته پرداخته که آمریکا از «وانمود کردن به مذاکره» چه اهدافی را در جنگ شناختی دنبال می کند.

### استراتژی «مه شناختی»

اگر بخواهیم با یک استعاره مفهومی جنگ شناختی «وانمود کردن ترامپ به مذاکره با ایران» را نشان بدهم بهترین استعاره برای آن، «مه شناختی» است. در این استعاره، بازیگری که وانمود به مذاکره، نمش یا تعامل می کند بدون آنکه چنین قصدی داشته باشد، شبیه یک مهندس ادراک است که در یک «آزمایشگاه مه ساز» کار می کند. هدف او ساختن «مه» نیست؛ هدف او پنهان کردن مسیرها و آشکار کردن مسیرهای کاذب است. مه، واقعیت را تغییر نمی دهد؛ مه، فقط ادراک واقعیت را تغییر می دهد. همین اصل، ماهیت جنگ شناختی را توضیح می دهد.

### الگوهای جنگ شناختی

در چهارچوب استعاره «مه شناختی»، وقتی ترامپ وانمود به مذاکره می کند اما هدفی جز

## مذاکره: رمز عملیات روانی



### بشر

«مه شناختی» با تولید هدفمند ابهام، دوگانگی، روایت های گمراه کننده و سکون ادراکی، فضای را ایجاد می کند که در آن، «وانمود به مذاکره» به ابزاری برای پنهان کردن اهداف واقعی و هدایت ادراکات جامعه به سمتی دلخواه تبدیل می شود، بدون آنکه نیازی به درگیر شدن مستقیم در مذاکره واقعی باشد.



### ترامپ با

### ایجاد «مه

### شناختی»

### یعنی با طرح

### مکرر موضوع

### مذاکره

### (بدون اقدام

### عملی)،

### یا ارائه

### سیگنال های

### متناقض،

### محیطی

### «مه آلود»

### ایجاد می کند.

### این مه، مسیر

### واقعی اهداف

### را پنهان کرده

### و در عوض،

### آنها را به

### سمت تحلیل

### «چراغ های

### کم سوئی

### مذاکره» سوق

### می دهد. او

### با این کار،

### می خواهد

### آنها را

### عمومی راز

### واقعیت های

### جنگ دور

### کند

مه منتشر می کند. این ذرات، شبیه گرد و غبار نورانی در مه هستند که چشم را به خود جلب می کنند. این روایت ها، گرچه دروغ یا نیمه حقیقت هستند، اما به گونه ای «چهارچوب بندی» شده اند که با برخی باورهای موجود یا انتظارات ناخودآگاه و مخاطبان هم خوانی می کنند. ذهن را به سمت پذیرش «آنچه در مه دیده می شود» (یعنی مذاکره) سوق می دهند، نه «آنچه پشت مه پنهان است». در پشت این مه، آموری از قبیل خریدن وقت برای بازسازی و جابه جایی نیروها و برنامه ریزی جدید و غیره است.

### ۴. ایجاد «سکون ادراکی»

این الگو به «هزینه شناختی تغییر» (Cognitive Cost of Change) اشاره دارد. وقتی یک وضعیت مبهم و ناگشوده (مه آلود) برای مدتی ادامه می یابد، ذهن برای حفظ پایداری و اجتناب از مصرف انرژی بیشتر برای تحلیل های عمیق تر، تمایل به «سکون» و پذیرش وضعیت موجود پیدا می کند.

### تعلیق ادراکی

با ادامه تولید مه و عدم امکان «دیدن واضح»، جامعه به تدریج به این وضعیت «مه آلود» عادت می کند. «فرصت های اقدام» یا «تحلیل های عمیق» در زیر این مه، کم رنگ شده و ذهن جامعه در یک «حالت تعلیق ادراکی» (Perceptual Suspension) قرار می گیرد. این «سکون»، فرصت را برای بازیگر فراهم می کند تا بدون مقاومت جدی، اهداف پنهان خود را دنبال کند. ترامپ هم از این راه تلاش می کند تا آذهنان ایرانیان را به حالت تعلیق در آورد درک واضحی از جنگ نداشته باشند و معنای عمیق حوادث جنگ را در نیابند.

توهم «عقل کل» بودن هوش مصنوعی

# جنگ؛ حقیقتی که الگوریتم ها نمی فهمند

## مطالعات فرهنگی

### دکتر حبیب الله بابایی

مدیر گروه مطالعات فرهنگی و تمدنی دانشگاه باقرعلوم

۱. هوش مصنوعی (AI) قرار بود در نقش یک «مترجم و میانجی کلان» عمل کند و با سننن کردن داده ها، یک «فرهنگ واحد جهانی» بسازد. در این نگاه، AI به مثابه یک «عقل کل» دیده می شد که می تواند بر تفاوت ها غلبه کند. اما خطای این نگاه آن بود که تصور می کرد «معنا» صرفاً از طریق پردازش حجم عظیمی از داده ها (Big Data) خلق می شود، در حالی که فرهنگ و معنا، ریشه در «زیست جهان» (Lifeworld) انسان ها و تجربیات تاریخی آنها دارند، نه صرفاً در اشتراکات آماری کلمات. امروز بعد از جنگی که بانیان هوش مصنوعی بر ایران تحمیل کردند، توهم «جهان شهر الگوریتمی» از هم پاشیده است.

۲. سال ها است که متفکرانی مانند ژان بودریار، استدلال می کنند که ما در عصر «وانموده ها» (Simulacra) و «فراواقعیت» (Hyperreality) زندگی می کنیم؛ جایی که تصاویر رسانه ای و مجازی، از خود واقعیت واقعی تر شده اند. اما جنگی که اسرائیل و به تبع آن آمریکا بر ایران تحمیل کردند، عملاً راهی بی بازگشت به امری واقعی و ابطل واقعیت «وانموده ها» گشوده است. جنگ، درد، خون، ویرانی و مهم تر از همه بحران انرژی و انسداد زندگی برای دنیای سکولار امروز، همه دارای نوعی «اصطکاک» و «سرسختی هستی شناختی» هستند که قابل تقلیل به کدها و صفرو یک های هوش مصنوعی نیستند. وقتی بمبی واقعی منفجر می شود یا انسانی واقعی جان می بازد و یا وقتی انرژی از دسترس انسان دنیوی شده خارج می شود، شکوک ناشی از این «حقیقت سخت»، پرده نرم و لطیف مجاز را پاره می کند.

۳. هوش مصنوعی، ماشین «بازنمایی» (Representation) و «پیش بینی» است. AI می تواند داده های جنگ را تحلیل کند، تلفات را بشمارد یا حتی تصاویر دیپ فیک (Deepfake) بسازد؛ اما نمی تواند «درد» را درک کند و «معنای فداکاری»، «قهرمانی»، «حماسه حضور» از یک سو و «وحشت بقا»، «ترس از مرگ» یا «ظلم» را پردازش کند. رنج انسانی و واقعیت زندگی دارای چگالی است که از ظرفیت شبکه های عصبی مصنوعی خارج است. بنابراین، در مواجهه با واقعیت مهیب فیزیکی (مثل جنگ)، روایتگری مبتنی بر هوش مصنوعی دچار اختلال و رنگ باختگی می شود، زیرا انسان ها در بحران های هویتی و وجودی، به دنبال «حقیقت ملموس» می گردند، نه خروجی بی روح یک مدل زبانی.

۴. بدین ترتیب جهان مبتنی بر هوش مصنوعی، تنها در دوران «صلح» شبیه سازی شده و «رقاه» می تواند توهم غلبه بر واقعیت را داشته باشد. اما هنگامی که پای موجودیت استعماری غرب و واقعیت سیاه تمدن دنیوی نظام سلطه به میان می آید، قوانین سخت فیزیک، بیولوژی و جغرافیا، دوباره سطره خود را بر جهان الگوریتم ها می کشند.